

شرق

روزنامه

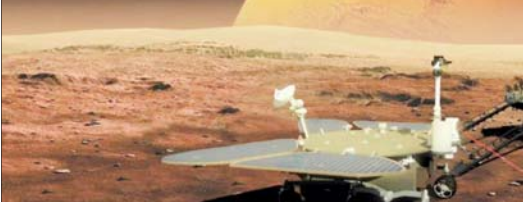
مسابقه فوتبال در شالیزار (فوتبال) بهممنظر بازگشت جوانان به شالیکاری در روستای کین‌چاه آستانه اشرفیه برگزار می‌شود. عکس: الهه فلاح، باشگاه خبرنگاران جوان



افق‌های نو

لمس خاک مریخ توسط چینی‌ها

این رباط در فاصله حدود ۱۰۰۰ کیلومتری از مریخ‌نورد استقامت ناسا، در منطقه‌ای با نام Utopia Planitia که یک حوضه آبریز قدیمی در نیمکره شمالی مریخ است، فرود آمد. منطقه‌ای مملو از سنگ‌های رسوبی که می‌تواند میزان نشانه‌های جذابی از گذشته زیست‌پذیر مریخ باشد. این موفقیت توسط شبکه‌های اجتماعی دولتی و تلویزیون جهانی کشور چین (CGTN) و همچنین محققین دانشگاه علم و صنعت «ماکانو» تأیید شده اما فعالیت سالم ابزارها و موفقیت کامل این فرود توسط اداره ملی فضایی چین به‌زودی و طی انجام آزمایش‌های فنی اطلاع‌رسانی خواهد شد. این ربات مریخ‌نورد با نام (Zhurong) که به معنای «خدای آتش» است، برای فعالیت ۹۰‌روزه



در مریخ برنامه‌ریزی شده و به جست‌وجوی یخ‌آب و رطوبت که مهم‌ترین معیار جست‌وجوی حیات هستند، خواهد پرداخت. مطالعات مدارگرد حاکی از آن است که منطقه مذکور مقادیر قابل‌توجهی رطوبت محبوس در بستر خشک جلگه‌ای دارد. این مکان در سال ۱۹۷۶ توسط سطح‌نشین ثابت و بدون تحرک وایکینگ۲ بررسی شده بود؛ اما ابزارهای ابتدایی آن موفق به کشف نشانه‌هایی از آب یا مولکول‌های آلی

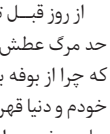


رضا ماهمنظر

منتخب و مروج علم

با فرود موفق ربات چینی Tianwen-1 در بامداد روز جمعه (۱۴ می، مصادف با ۲۴ اردیبهشت) سطح مریخ از انحصار آمریکا درآمد و برگ تازه‌ای در تاریخ کاوش‌های این سیاره ورق خورد. مأموریت Tianwen-1 که به معنی «سوالاتی از آسمان» است، پنج مارس سال گذشته در مدار مریخ قرار گرفت و به مدت سه ماه به دور آن گردش کرد تا بهترین نقطه را برای فرود و کاوش در سیاره سرخ انتخاب کند. در حقیقت این مأموریت، ترکیبی از سه قسمت مدارگرد، موتور فرود مریخ‌نورد و ربات مریخ‌نورد بود. سرانجام چین موفق شد در اولین حضور خود در مدار سیاره مریخ، با موفقیت اولین ربات مریخ‌نورد را در سطح این سیاره فرود آورد و قدرت مهندسان سازمان فضای خود (CNSA) را به رخ جهانیان بکشد. این ربات سوار بر موشک «لانگ‌مارچ بی» در فوریه سال ۲۰۲۰ به سمت مریخ راهی شد و پس از طی ۴۰۰ میلیون کیلومتر که معادل دو برابر فاصله زمین از خورشید است، در مدار سیاره سرخ

به گردش درآمد. پس از مطالعه سه‌ماهه سطح مریخ جهت انتخاب بهترین نقطه، نوبت به فرود مریخ‌نورد رسید. هنگامی که سطح‌نشین وارد اتمسفر مریخ شد، در روشی مشابه با ربات‌های مریخ‌نورد ناسا، باید بر عوامل متعددی مانند اصطحاک با اتمسفر غلبه کند و در اصل «هفت دقیقه وحشت» را پشت‌سر گذارد تا با فرودی نرم و آرام به سلامت به مقصد برسد. سیر حرارتی در حین فرود از ربات محافظت کرد و سرانجام



زهر ا مشتاق

از روز قبل تا الان هیچ نخورده‌ام. گرسنه‌ام و به حد مرگ عطش دارم. از دست خودم عصبانی هستم که چرا از بوفه برای خودم آب و نوشیدنی نخریدم. با خودم و دنیا قهرم. سرم زیر پتو است و دیگر نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم. گریه‌هایم چنان بلند است که صدای بابایی را می‌شنوم که چطور به تخم‌نزدیک و دور می‌شوند و صداهایی که می‌گویند خوب می‌شوی عزیزم، گریه نکن، ترس و چه حرف‌های خنده‌داری است چون در تمام زندگی ۴۹ ساله‌ام به این اندازه مهیا و مشتاق رفتن نبوده‌ام و در همین تاریکی و زیر همین ماسک اکسیژن به خدا التماس کرده‌ام که می‌شود تمام شود و خودش خوب می‌داند که چه می‌گویم. تشنه‌ام، پرستار آمنه خانم می‌گوید این غذای مادر است. دست‌نخورده است. یک لقمه می‌خوری. سیرم را تکان می‌دهم و تشکر می‌کنم.

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱ خرداد ۱۴۰۰ ۱۰ شوال ۱۴۴۲ ۲۲ می ۲۰۲۱
سال هجدهم شماره ۴۰۰۷ ۱۲ صفحه + ۱۶ صفحه ویژه‌نامه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸
اذان صبح فردا ۴:۱۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

سلام به فردا

بی‌کاری در رسانه ملی!



رویا صدر

در یک شب بهاری که گل است و هندوانه است و برنامه مفرح خندوانه است، دو میهمان از اهالی فوتبال که البته حافظه تاریخی ما با خاطره شیرینی که یکی از آنها در ملبورن برایمان رقم زد آمیخته‌شده است، روبه‌روی مجری می‌نشینند تا لحظات بینندگان رسانه ملی فرهنگ‌ساز را سرشار از شور و شادی کنند.

ماجرای از آنجا شروع می‌شود که یکی از آنها در برابر سؤال مجری که: «نام سه نویسنده ایرانی را بگو» می‌گوید: «نویسنده از کجایم بیاورم» و دیگری ادامه می‌دهد: «نویسندگان بی‌کارند و از روی بی‌کاری می‌نویسند و ما را به آنجا چکار» تا مجری خوش‌خنده برنامه از پاسخ نغز آن دیگری، غش و ریسه برود و مسئولان تدوین هم که برنامه را برای پخش آماده می‌کنند، دلشان نیاید این تکه‌برانی را حذف کنند، لابد با این تصور که خب خندوانه است دیگر، اگر در آن به اهل فرهنگ نخندیم، دیگر اجازه داریم به چه کسی بخندیم؟

چراکه درحال‌حاضر در محدوده تنگ سؤال‌وجواب‌های کنترل‌شده، لابد به‌سخره‌گرفتن فرهنگ که صداایش در هیاهوی اقتصاد و سیاست و عوام‌زدگی کم شده، مجاز است و حساسیتی برنمی‌انگیزد. کافی است به یاد بیاوریم که در گذر زمان، دایره موضوعاتی که می‌شود در سیما با آنها شوخی کرد و به طنزشان گرفت، تنگ و تنگ‌تر شده است و به‌مرور اقشار و اصناف مختلف اعم از مقامات و نیروها و... از دایره آن خارج شده‌اند. همچنین به‌مرور شاهد حضور جریانی در طنز رسانه ملی هستیم که در آن تولید انبوه برنامه‌ها و سناریوهای بی‌مخاطب طنز بر فرم و محتوای آثار طنز تأثیر گذاشته است.

سلام به فردا

با این حساب تکلیف برنامه‌ای مثل خندوانه که اسمش با خنده گره خورده و در ردیف برنامه‌های سرگرمی سبک قلمداد می‌شود و قرار نیست به طنز به مفهوم عمیق آن بپردازد، مشخص است. این است که وقتی در آن میهمان برنامه در گفت‌وگویی که اتفاقا جدی است و رنگی از طنز ندارد می‌گوید نویسنده ایرانی بی‌کار است که می‌نویسد این امر دستمایه خنده قرار می‌گیرد تا فضای مفرح خندوانه دوچندان شود؛ چراکه لابد اهالی فرهنگ جزء خطرقرمزهای رسانه ملی نیستند و از سوی دیگر بی‌کاری نویسدگان امری پذیرفتنی است.

چه کسی است نداند درآمد حاصل از تیراژ ۳۰۰ نسخه‌ای کتاب یک نویسنده (که حاصل سال‌ها عرق‌ریختن روح و ذهنش است) کفاف یک زندگی ساده را هم نمی‌دهد و نویسنده مگر بی‌کار باشد که برای دل خودش و مخاطب اهل اندیشه اندک خود بنویسد و دنبال شغل دیگری نرود که درآمد خوبی داشته باشد و در قامت یک سلبریتی هم در برنامه خندوانه بنشیند و دانستن، اندیشیدن، نوشتن و خواندن همراه با تمسخر اسباب تفریح مجری و مخاطب را فراهم کند!

در این میان صدالبته عکس‌العمل نویسنده بی‌کار ایرانی غیر قابل پیش‌بینی است، او هرچند در این روزگار غریب، عطای رسانه ملی با بودجه سرسام‌آورش را به نقایش می‌بخشد و دیوژن‌وار به همین هم قانع است که او را به حال خودش بگذارند و کنار بروند و لااقل جلوی آفتاب را نگیرند ولی وقتی فرهنگ و اهالش دستمایه تمسخر قرار می‌گیرند، به‌صورت فردی یا در قالب تشکل نشان می‌دهد تاب‌آوری او آن‌طورها هم که فکر می‌کنند زیاد نیست، چندان‌که در برابر اعتراض اهالی ادب و هنر به چنین تعبیر-توهین‌آمیزی مسئولان و مجریان و میهمانان ناچار به توضیح و عکس‌العمل می‌شوند تا زیاد بگیرند که از این پس قدرت بی‌قدرتان را که همان قدرت فرهنگ و اهالش است، دست‌کم نگیرند!

چهره هفته

در نظرسنجی هفتگی «شرق»

امام‌جمعه کرج با نگرانی‌اش درباره نرخ جمعیت «چهره هفته» شد

حسینی‌همدانی با تأکید بر اینکه کاهش نرخ جمعیت یک بحث طراحی‌شده است، گفت: مثلاً ما الان این‌همه راجع به موشک حرف می‌زنیم، فرض کنید ۳۰ سال دیگر جوانی نباشد، چه کسی می‌خواهد دکمه موشک را بزند؟ بیرمردهای نفس‌بریده که نمی‌توانند این‌کار را بکنند. رقیب او برای این‌عنوان علیرضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا بود که گفت: «واکسن فایزر آش دهن‌سوزی نیست». حسینی‌همدانی ۶۲ درصد آرا و رئیسی ۳۸ درصد آرا را از آن خود کرد.

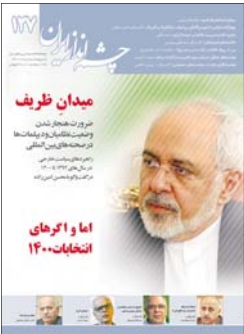


shargh.newspaper

پیشخوان

میدان ظریف

واقعۀ خبر می‌دهد: گفت‌وگوهایی که قرار است به ماجرای تشیع جنازه مهندس سبحانی و مرگ هاله سبحانی بپردازد، حسن افتخار چهره‌ای است که در این شماره با او گفت‌وگویی انجام شده است. علاوه بر این، یک سخنرانی کوتاه منتشرنشده از مهندس سبحانی و یادی از هدی صابر از دیگر عناوینی است که در این صفحات موجود است. در بخش «چشم‌انداز اندیشه» گفت‌وگویی با احمد خالقی درباره «چهارگانه مارکس، از خودیگانگی، برابریک، دیالکتیک و کاپیتال» شده است. در بخش چشم‌انداز اقتصاد و توسعه هم گفت‌وگویی با میرطاهر موسوی انجام شده که با تیتیر «توزیع-سیب‌زمینی، مهم‌ترین مشکل جمعیتی کشور» در صفحه ۶۰ جا خوش کرده است. سیمین کاظمی هم در گفت‌وگویی به مسئله مقصرانگاری زنان در سیاست‌های جمعیتی پرداخته است. صدوبیست‌وهفتمین شماره دوماهنامه چشم‌انداز ایران در ۱۲۸ صفحه هم‌اکنون روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها و پلنفرم‌های آنلاین در اختیار شماست.



شماره صدوبیست‌وهفتم دوماهنامه سیاسی راهبردی «چشم‌انداز ایران» با نگاهی به دو رویداد مهم گذشته و در پیش‌رو منتشر شد. روی جلد این شماره از چشم‌انداز تصویری از محمدجواد ظریف نقش بسته با تیتیر «میدان ظریف» که با اشاره به ماجرای فایل صوتی منتشرشده از محمدجواد ظریف و حرف‌های او درباره «میدان» و «دیپلماسی» به بررسی ضرورت هنجارشدن وضعیت

نظامیان و دیپلمات‌ها در صحنه‌های بین‌المللی پرداخته است. همچنین در این راستا گفت‌وگویی هم با محسن امین‌زاده درباره راهبردهای سیاست خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ انجام شده که در شماره جدید این مجله می‌توانید بخوانید. موضوع مهم دیگری که چشم‌انداز به آن پرداخته، «اما و اگرهای انتخابات ۱۴۰۰» در ایران است. در چند مقاله به قلم مهدی غنی، محسن شریف‌زاده، احمد هاشمی و سمرقاله‌ای از لطف‌الله میمنی به چالش‌های انتخابات ۱۴۰۰ در ایران پرداخته شده است. در بخشی دیگر، چشم‌انداز ایران از انتشار سلسله گفت‌وگوهای «روز

یاد

به بهانه درگذشت بنیان‌گذار پیمایش ارزش‌های جهانی «رونالد اینگلهارت»

دوری از رفتارهای انقلابی در ایران



حسین نوری‌نیا

• در روزهایی که ما درگیر فضای انتخاباتی هستیم و خبرهای ریز و درشت داخلی و خارجی بر ما باریدن داشته است، یک خبر از نگاه‌مان مغفول ماند. خبری که برای اصحاب علوم اجتماعی و سیاسی در ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است: رونالد اینگلهارت، استاد برجسته آمریکایی در دانشگاه میشیگان و بنیان‌گذار پیمایش ارزش‌های جهانی، در هشتم می ۲۰۲۱ مصادف با ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ (حدود ۱۰ روز پیش) پس از یک دوره بیماری طولانی درگذشت. اینگلهارت در سال ۱۹۳۴ در میلوایکی از ایالت ویسکانسین آمریکا به دنیا آمد. کارشناسی خود را در دانشگاه نورث وسترن و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در دانشگاه شیکاگو به‌تمام رساند. او از ۱۹۶۶ (۱۳۴۴ شمسی) تا پیش از مرگ خود در دانشگاه میشیگان به تدریس علوم سیاسی مشغول بود؛ اما آنچه موجب شهرت او شد، پیمایش‌های جهانی او بود. اینگلهارت استاد برجسته پژوهش در مؤسسه تحقیقات اجتماعی آمریکا بود و با آکادمی علوم و هنرهای آمریکایی و آکادمی علوم سیاسی و اجتماعی آمریکا همکاری می‌کرد. علاوه بر اینکه او مؤسسه پژوهشی اینگلهارت را برای تحقیقات اجتماعی تطبیقی در مدرسه عالی اقتصاد سن‌ترزبورگ روسیه راه‌اندازی کرد. او در دوره زندگی علمی خود از دانشگاه‌های سوئد، بلژیک و آلمان مدرک دکترای افتخاری دریافت کرده بود. اینگلهارت در سال ۲۰۱۱ جایزه یوهان اسکات را در علوم سیاسی از آن خود کرد. در زندگی علمی و حرفه‌ای خود بیش از ۴۰۰ مقاله و ۱۴ کتاب نوشته و بسیاری از آنها به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شد و او را به یکی از پراستادترین دانشمندان علوم سیاسی جهان تبدیل کرد که در رشته‌های



گونگوان از جمله علوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است. نخستین کتابی که از او در ایران ترجمه شد، «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» بود که بارها تجدید چاپ شد. همچنین، کتاب‌های «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، «مراحل و عوامل و موانع رشد سیاسی»، «مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان»، «جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی»، «توسعه انسانی، نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی» و «تکامل فرهنگی» تغییر ارزش‌ها و استحاله جهان» به چاپ رسیده است. دیدگاه‌های او از چنان اهمیتی برخوردار هستند که بارها توسط پژوهشگران و استادان و دانشجویان علوم سیاسی و اجتماعی ایران مورد استناد قرار گرفته و مبنای ارزیابی و اندازه‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در رساله‌های علمی شده است. ما با اینگلهارت با پیمایش‌های جهانی‌اش و کتاب تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی آشنا شدیم، او با ایجاد یک شبکه جهانی از پژوهشگران علوم اجتماعی در سراسر جهان، پیمایش ارزش‌های جهانی را از سال ۱۹۸۱ آغاز کرد که تاکنون در هفت موج و در صد کشور دنیا اجرا شده است. آخرین موج این پیمایش را در ۲۰۲۰ به پایان رساند. ایران یکی از کشورهای هدف او بود که در سه موج این پیمایش‌ها شرکت کرد؛ موج چهارم (۱۹۹۱-۲۰۰۴)، موج پنجم (۲۰۰۵-۲۰۰۹) و موج هفتم (۲۰۱۷-۲۰۲۰). موج ششم مربوط به دوره احمدی‌نژاد می‌شود که در ایران اجازه نیافت. ازاین‌رو، به مدد این دانشمند برجسته ما اکنون دارای اطلاعات پایداری از وضعیت اجتماعی ایران هستیم که از یک سو امکان مقایسه آن را با سایر کشورهای جهان فراهم کرده است و از سوی دیگر امکان بررسی روند تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی را در ایران به دست می‌دهد. یکی از پرسش‌های مهم در آخرین موج پیمایش او در ایران، نشان می‌دهد که ایرانیان از رفتارهای انقلابی دوری گزیده‌اند و برای سروسامان‌دادن به وضعیت کشور، این راه را نمی‌پذیرند. در این پیمایش سه شیوه در مواجهه با وضعیت جامعه مطرح شده است که یافته‌های آن به شرح زیر است:

الف- بهترین راه برای سروسامان‌دادن به جامعه ما ایجاد تغییر اساسی به وسیله یک انقلاب است (۸۰.۲ درصد)

ب- جامعه ما باید به‌تدریج به وسیله انجام اصلاحات بهتر شود (۴۰.۴ درصد)

ج- جامعه‌کوتنی ما باید در مقابل همه نیروهایی که قصد لطمه‌زدن به نظام را دارند، با جدیت ایستادگی کند (۴۹.۸ درصد)

این یافته به‌خوبی نشان می‌دهد که ایرانیان، به‌هیچ‌روی با رفتار انقلابی برای تغییرات اساسی در جامعه موافق نیستند؛ اما این را هم باید اشاره کرد که گویه سوم لزوماً به معنای رفتار محافظه‌کارانه نیست، حداقل در نگاه ایرانیان، بسیاری از آتیهایی که خواهان اصلاحات برای تغییرات تدریجی هستند، ایستادگی در مقابل نیروهای برانداز نیز واجد اهمیت است. برای همین جمله سوم که به‌فوقی ضرورت حفظ ثبات برای رسیدن به موقعیت اصلاحات هست، فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده است.